

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۶ خرداد ماه ۱۳۱۰ * (۲۰ محرم ۱۳۵۰)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تصویب يك فقره اعتبار نامه
- ۳) شور و تصویب لایحه تقسیمات وزارت اقتصاد ملی
- ۴) تصویب لایحه انتزاع املاك مزروعی اتباع خارجه
- ۵) تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر طرق
- ۶) موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه دوم خرداد ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - آقای جمشیدی

جمشیدی - عرض کنم در صورت جلسه آقای معتمد سنك را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان بوسیله بنده کسب اجازه کرده اند و کسالت داشتند خواستم عرض کنم امر بفرمائید اصلاح شود

رئیس - چون از کمیسیون هنوز در این باب اظهار نظر نکرده اند ما تکلیفمان معلوم نبود بعد اصلاح میشود در صورت مجلس اعتراضی نیست (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد.

[۲ - تصویب يك فقره اعتبار نامه]

آقای دکتر طاهری (مخبر) خبر شعبه ششم را راجع بنمایندگی آقای حسینقلی خان نواب از حوزه انتخابیه شیراز بطریق ذیل قرائت نمودند

خبر از شعبه ششم بمجلس مقدس شورای ملی دوسیه انتخابات دوره هشتم تقنینیه شهر شیراز و توابع در شعبه ششم مطرح شور و مذاقه گردید جریان انتخابات مزبور بر طبق موازین قانونی و بشرح ذیل بوده:

انتخابات دوره هشتم تقنینیه شهر شیراز و توابع در تاریخ دوم فروردین ۱۳۱۰ بعمل آمده و در مدت قانونی

* * عین مذاکرات مشروح سی و دومین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شد: غائبین با اجازه - آقایان: اشتیانی - ارباب کبکچرو - دکتر سنك - حیدری

غائبین بی اجازه - آقایان: تیمورتاش - حاج میرزا حبیب الله خان - حاج محمد رضا بهبانی - اورنگ - امیر دولتشاهی - میرزا سید احمد بهبانی - اعظم زنگنه - معتمد سنك - آقارضا مهدوی - امیر عامری - همراز

دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: اسفندیاری - اسدی - معتمدی

۴۹۵۵۶ ورقه توزیع و اخذ رأی شده و در نتیجه آقای حسینقلیخان نواب با کثرت ۴۰۸۳۵ رأی بنمایندهای دوره هشتم مجلس شورای ملی منتخب گردیدند شکایتی هم در مدت جریان انتخابات و بعد از آن نرسیده شعبه ششم صحت نمایندگی معظم له را تصدیق و تصویب و اینک خبر آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد

رئیس - رأی میگیریم بصحت نمایندگی آقای نواب آقایانیکه بصحت نمایندگی ایشان معتقدند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان برخاستند) تصویب شد

[۳- تقدیم و تصویب لایحه تقسیمات وزارت اقتصاد]

رئیس - آقای رئیس الوزراء فرمایشی دارید؟

رئیس الوزراء - لایحه است راجع بتشکیلات و تقسیمات وزارت اقتصاد که برای تصویب با دو فوریت تقدیم میشود:

(لایحه مزبوره تقدیم بشرح ذیل قرائت شد)

ساحت محترم مجلس شورای ملی شید الله ارکانه نظر باینکه وزارت اقتصاد ملی وظائف مهمی را عهده دار بوده و نظر باینکه محول نمودن انجام تمام آن وظائف بعهده بکنفر بطوریکه لازم است تأمین مقصود را نمینماید ماده واحده ذیل با قید دو فوریت پیشنهاد و تقاضای تصویب آن میشود

ماده واحده - از تاریخ اجرای این قانون وزارت اقتصاد ملی بسه اداره کل تقسیم میشود اداره کل تجارت اداره کل فلاح - اداره کل صناعت

ادارات مزبوره در تحت نظارت عالیه ریاست وزراء و هر يك از آنها بوسیله رئیس مستقلی که بسمت معاونت وزارت در مجلس و هیئت وزراء حق حضور و شرکت در مذاکرات دارد اداره خواهد شد

وظائف هر يك از ادارات ثلاثه بموجب نظامنامه که هیئت وزراء تصویب خواهد کرد تعیین و این قانون بلافاصله پس از تصویب بموقع اجرا گذاشته میشود

رئیس - فوریت اول مطرح است. آقای طباطبائی دیا

طباطبائی دیا - بنده در ماده واحده عرض دارم

کارهای مهمی است و تفکیک کردن این سه اداره البته لازم بوده است و صحیح است ولی يك اشکالی بنظر بنده در اجرا پیدا میشود که باید معلوم شود و آن این است که اگر در ایالات و ولایات هم سه شعبه برای این سه قسمت اداره درست کنند از نقطه نظر بودجه خیلی گران میشود و اگر بخواهند مثل حالا که يك اداره در هر ولایتی هست و این سه اداره که کارشان از هم جداست این سه معاون که هر سه مستقل هستند و هر سه کارشان از هم جداست و مربوط بهم نیستند اینها بخواهند همه بيك اداره مراجعه کنند بعقیده بنده کار مشکلی خواهد بود باضافه ممکن است یکی از این معاونین از بيك رئیس اداره که در خراسان یا اصفهان است رضایت نداشته باشد دیگری راضی باشد آیا تکلیف آن آدم چیست و نسبت بآن رئیس اداره چه معامله خواهد شد؟ بنده میخواستم این را توضیح بدهند که رفع اشکال بنده بشود

وزیر عدلیه - اشکالاتی که آقا تصور فرمودند البته اشکالاتی است که از نقطه نظر عمل پیش بینی کردند و الاً اصولاً هیچ اشکالی برای این مسئله نیست که يك مأمور از طرف دو یا سه وزارتخانه در مسائل مختلفه طرف رجوع باشد مثل اینکه الان حکام در حدودی که قانون معین کرده مأمور وزارت داخله هستند يك کار هائی هم از طرف وزارت عدلیه انجام میدهند بمأموریت آن وزارتخانه عمل میکنند در این قسمتها البته مسئولیتشان از طرف وزارت عدلیه است و آنکسی که بهشان امر میدهد يك کسی است غیر از مسئول وزارت داخله پس هیچ مانعی نخواهد داشت که يك اداراتی هم در خارج باشند و از طرف این سه معاون بانها يك کار هائی رجوع شود و هر کدام از اینکارها مربوط بیکی از این معاونین باشد اصولاً اشکالی ندارد حالا آمدم در عمل همینطوریکه میفرمایند البته این را در عمل باید خودمان مراعات بکنیم فرض بفرمائید امروز يك مأمور وزارت داخله در يك جا بنظر وزارت داخله خیلی خوب ماموری است وزارت عدلیه اگر در کار هائیکه

باو رجوع کرده است دید مأمور خوبی نیست البته باوزارت داخله مذاکره و صحبت خواهد کرد اورا متقاعد میکنند یا بعکس وزارت داخله اورا متقاعد میکنند که باشد در هر حال راه اشکال عمل را در ضمن عمل همیشه انسان پیدا میکند و این مأمور از طرف چند وزارتخانه در ایران مقصود بنده این است که منحصر باین مورد نیست و اختصاص باین مورد ندارد موارد دیگر هم دارد که بنده عرض کنم مسئله امنیه ها هست که وزارت داخله کار بهشان رجوع میکنند وزارت جنگ کار بهشان رجوع میکنند این مسئله آقا باعث این نیست که ما در زندگانی عملی باشکالات بر بخوریم صرف نظر از این قسمت بنده آنچه که اطلاع دارم وزارت اقتصاد تا بحال يك ادارات وسیع در همه جا نداشته است که حالا هم به اشکال بر بخوریم فرض بفرمائید در يك نقطه لازم است که از طرف اداره فلاح يك عملیات مهمی بشود قسمت تجارتش خیلی خیلی کم است کارش ممکن است همان ماموری که از طرف اداره کل فلاح کار میکند آن قسمت تجارت را هم اداره بکنند و اگر دیدند کار تجارتنی اینجا خیلی مهم است و مسائل فلاحیتش کمتر بود اقداماتی که در قسمت فلاحت باید بشود خیلی اهمیت ندارد و ارونه این کار خواهد شد بمباراة اخری مأمور تجارت آن قسمت فلاحت را عهده دار خواهد شد و اگر کار باندره مهم بود که لازم بود برای هر قسمتی برای اینکه کار خوب جریان پیدا بکنند يك مأمور خارجی معین کنند همانطور که در اینجا در مرکز تخصیص کردند و سه معاون دارند در آنجا هم همینکار را خواهند کرد و تصور میکنم در این قسمتها همیشه عمل بهترین راه را پیش پای انسان میگذازد آن راهی که عملاً رفع اشکال را میکند انسان تعقیب خواهد کرد و تصور میکنم که برای آقام اشکالی نباشد.

افسر - صحیح است.

رئیس - آقای جمشیدی

جمشیدی - بنده خواستم سؤال کنم معادن و امتیازات جزو کدام يك از این دواير خواهد بود و آیا از این

ببعد وزارت اقتصاد وزیر مسئولی دارد یا خیر خوبست در این باب آقای وزیر يك توضیحی بدهند.

وزیر عدلیه - در قسمت وزیر مسئول بنده تصور می‌کنم که در اینجا يك وزیر مسئول بمعنی وزیر اقتصاد نیست بطوریکه ملاحظه میفرمائید کارهای وزارت اقتصاد که در تحت نظارت عالیہ رئیس الوزراء است به سه اداره کل تقسیم میشود و از برای هر کدام هم يك رئیس معین کرده است که آن رئیس هم دارای اختیار است در حدود قانون و هم دارای مسئولیت است در حدود قانون نظارت عالیہ که آقای رئیس الوزراء دارند در سایر وزارت خانه ها هم دارند منحصر بوزارت اقتصاد نیست ولی مسئول اینها بالطبع خودشان هستند مسئولیت اختصاصیشان مسئولیت مشترک هم همینطور که الان هر يك از وزراء دارند نسبت بکارهای همدیگر آنها هم همین مسئولیت را خواهند داشت اما راجع به مسئله امتیازات که فرمودید (جسودی - معادن) معادن و امتیازات بطوریکه ملاحظه میفرمائید در پیشنهادی که شده است و اگر مجلس تصویب کند عملی خواهد شد در آنجا تقسیم وظایف را گذاشتیم بموجب نظامنامه هیئت دولت بنا بر این چیزی که بنده اینجا عرض میکنم يك مسئله قطع شده نیست بکمسئله است که شخصاً عرض میکنم و تصور می‌کنم که روی يك همچو نظریه باشد امتیازات معمولاً و اساساً مربوط بقسمت معادن است چون نظر اینست که کارهاییکه مربوط باداره کل فلاح است يك قسمتی هم کارهای معادن باشد بالطبع قسمت امتیازات باید در آنجا وارد شود بجهت اینکه امتیاز فلاحی یا تجارنی کمتر معمول است بیشتر راجع است بمعادن با وجود اینکه بطوریکه عرض کردم این چون يك مسئله نیست که حالا قطع شده باشد و نظامنامه که اگر آقایان اجازه بدهند هیئت وزراء بکنند باید تکلیف این کار را معلوم بکنند و این قسمت هم در آنجا روشن میشود

رئیس - پیشنهادی از آقای طاهری رسیده است قرائت می‌شود:

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت عظمة

پیشنهاد میشود ماده الحاقیه ذیل اضافه شود:

ماده الحاقیه - ماده دوم قانون مصوب ۲۲ تیرماه ۱۳۰۶ از این تاریخ ملغی است.

رئیس - بفرمائید

دکتر طاهری - در تاریخ بیست و دوم تیرماه ۱۳۰۶ يك قانونی گذشت که ماده دومش را اینجا قرائت میکنم ماده دوم - تا انقضای هر دوره تقنینیه نمایندگان مجلس شورای ملی نمیتوانند هیچیک از خدمات دولتی را موظفاً قبول کنند مگر اینکه سه ماه قبل از قبول خدمت از نمایندگی استعفا بدهند این ماده یعنی عضو را از مجلس نشود بیرون برد شاید برای يك موقعی که فکرهاي تصور میکردند مزاحمتی شاید بری اعضاء هیئت دولت باشد با حال عصبانی مجلس این را وضع کرد در صورتیکه این اصل برخلاف اصول پارلمانتر است و هیچ موجبی هم برای ماندن این قانون نیست که اگر يك عضوی را احتیاج پیدا کرد دولت از مجلس ببرد چرا باید این شخص سه ماه قبل استعفا داده باشد یا نتواند حقوق بگیرد حالا شاید الان یکی از اعضاء مجلس طرف احتیاج شد این قانون را خود مجلس گذرانده و برخلاف اصول مجلسی هم هست و مضر هم هست برای اساس مجلس بجهت باید اگر دولت احتیاج پیدا کرد يك عضوی را ببرد از مجلس باید سه ماه قبل استعفا داده باشد در صورتیکه ممکن است احتیاج پیدا شده باشد یا اینکه سه ماه معجانی برود خدمت کند و نظایر هم پیدا کرده اگر احتیاج نداشته باشد که مزاحمتی نخواهد کرد و اگر هم احتیاج داشته باشد بتواند ببرد حقوقش را هم بدهند و چون برخلاف اصل پارلمانی هست و فایده هم ندارد برای مجلس و دولت این است که بنده پیشنهاد کردم ماده دومش حذف شود (بعضی از نمایندگان - صحیح است)

رئیس - آقای روحی

روحی - این قانون روزی که در مجلس وضع شده است يك ضرورتی داشته است حالا شاید بفرمائید آقا امروزه مورد ندارد و بایستی ملغی شود ولی جایز

اینجا نیست (صحیح است) هنوز کسی را نیاورده‌اند معرفی کنند باشد موقع خودش ما هم موافقت داریم البته هر وقت دولت احتیاج پیدا کرد باید ببرد ولی امروز الان در يك قانونی دیگر مربوط به تجزیه وزارت اقتصاد ملی ما بیائیم الغاء يك قوانین دیگری را بیاوریم اینجا آن قانون هم يك محسناتی بجای خودش دارد يك معایبی هم دارد و بنده بر خلاف آقا يك محسناتی را هم قائل هستم

رئیس - آقایانی که پیشنهاد

افسر - عرض دارم اجازه بفرمائید مربوط بلائجه نیست نمیشود صحبت کرد

کلالی - صحیح است مربوط بلائجه نیست.

رئیس - چرا مربوط بلائجه نیست؟

افسر - لایحه مربوط به وزارت اقتصاد است و هیچ راجع به این نیست این قانونی است علیحده هر وقت پیشنهادی کردند لایحه قانونی برایش بنویسند بیاینجا مذاکره کنند پیشنهاد را که نمی‌توانیم درش مذاکره کنیم رد یا قبول چه رأی بدهیم حالا که مطرح نیست

وزیر عدلیه - وضعیت بنده در مذاکره راجع باین مسئله اولاً عرض کنم که خالی از اشکال نیست برای اینکه يك وزیر بیايد و بگوید بهتر است قانونی که منع میکند وکلا موظف بخدمات دولتی برسند این را آقایان رای بدهند صرف نظر از جنبه دیگری لا اقل در مرحله اول خارج از تراکت است ولیکن بنده میخواستم آقایان را متوجه کنم هر چیزی البته با يك تناسب و با يك مقدماتی بیش بیايد البته ممکن است خوب و بسندیده باشد ولی اگر يك صورت خاصی پیدا کرد و بدون يك مقدماتی که متناسب با آن امر باشد پیش آمد تصدیق بفرمائید بیکدردی غریب بنظر می‌آید آقایان در ضمن این که صحبت میشود وزارت اقتصاد ملی بسه اداره تشکیل میشود منقسم میشود پیشنهاد میکنند که بله فلان قانون هم لغو بشود بنده عرض میکنم که اگر هم این مسئله مصلحت نیست یعنی بقای آن قانون و

اگر در خاطر آقایان باشد این قانون را هم دولت پیشنهاد نکرد خود وکلا پیشنهاد کردند اگر مصلحت نیست آقایان وکلا همانطور که آمدند و يك طرحی درست کردند يك طرح دیگر درست کنند بعلاوه هیچ مانعی ندارد آقایان يك اکثریت و يك فراکسیونی دارند همان طوری که هیئت دولت در يك مسأله وقتی بقیه فوریت می‌آورد در آن فراکسیون باید بیاورد صحبت کنند همانطور هم آقایان میتوانند در آنجا مذاکره کنند این کاری است که ما هم داریم حالا در يك مسئله که نمیشود با يك پیشنهاد جزئی در ضمن يك قانون دیگری يك قانونی را لغو کنیم این يك ملاحظاتی هم درش بوده است بعد از آن که مجلس تصویب کرد با اینکه دولت پیشنهاد نکرده بود ولی دولت های وقت بآن معتقد بودند و تصور فرمائید فلان شخص معین میخواست خودش بماند بعلمت اینکه مانع نیست که این قانون هم باشد و فلان شخص هم بماند پس از این نقطه نظر نیست می‌خواستیم عریضی شده باشد و یکی از آقایان نمایندگان که از دوستان شخصی بنده بودند به بنده نوشته بودند که اگر شما میخواهید مخالفت کنید موهون است بنده با کمال صراحت میخواهم عرض کنم که صرف نظر از این قسمت است که آن قانون خوب بوده یا خیر اگر از بنده بپرسید که آن قانون در آنوقت خوب بود یا خیر بنده شخصاً (نه بعنوان عضو دولت) نمیتوانم اظهار عقیده بکنم ولی بالاخره يك قانونی بود آمد حالا که آمد یعنی خود مجلس آورد نه اینکه بگویم دولت آورد که بگویم برای بنده موهون است خود مجلس آمد اینطور قرار گذاشت آنوقت در يك چنین چیزی در يك لایحه که مربوط باین مسئله نیست (طهرانی - تناسب دارد) اجازه بفرمائید آقا این تناسبی با لایحه ندارد چرا در يك لایحه که مربوط به وزارت عدلیه بود يك همچو چیزی نمی‌آوردند همانطور که عرض کردم در يك مسأله که يك اهمیتی دارد یا لا اقل (ولو اینکه در عالم واقع يك اهمیتی ندارد) با يك اهمیتی تلقی میشود همینطور که دولت قرار گذاشته است که

با اکثریت خودش تبادل نظر بکند آیا ضرری خواهد داشت که اکثریت لا اقل دولت را مطلع کنند نه بطور غافل یک مرتبه یک چیزی را بیاورد به مجلس از این نقطه نظر و الا در اصل قضیه بنده بشما قول میدهم که از برای شخص بنده هیچ تفاوتی نیست هر طور که اکثریت رأی داد البته همه مطیع هستند و بالاخره اجرا می شود ولی از خود آقا سؤال میکنم که این شکل خوب شکلی است. و اگر آقایان موافقت بفرمایند آن طوری که بنده می بینم یک عده زیادی از آقایان اظهار موافقت میکنند این چه اهمیتی دارد یک طرحی پیشنهاد کنند همانطور که آنرا با یک طرحی آوردند و ایجاد کردند با یک طرحی هم از بین ببرند (صحیح است) با وجود این حال البته هر چه آقایان رأی بدهند همان است **افسر** - مخالف دارد همه موافق نیستند یک عده موافق یک عده مخالف

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - عرض می شود اول اینکه اینجا مذاکره شد این تناسب ندارد این را بنده قبول نمی کنم برای اینکه نسخ یک قانونی در ضمن قانون دیگری مانع ندارد (بعضی از نمایندگان - دارد آقا دارد) اجازه بفرمائید و اما با این فرمایشاتی که آقای وزیر عدلیه فرمودند بنده هم موافقت دارم و این مسئله چون اصولاً مضر است در موقع دیگری طرح قانونی پیشنهاد می کنیم که بنظر فراکسیون هم میرسانیم لهذا بنده پیشنهادم را مسترد می دارم.

رئیس - یکبار دیگر ماده واحده قرائت میشود و رأی میگیریم.

(ماده واحده بترتیب ذیل قرائت شد)

ماده واحده - از تاریخ اجرای این قانون وزارت اقتصاد ملی بسه اداره کل تقسیم میشود اداره کل تجارت اداره کل فلاحت اداره کل صناعت ادارات مزبوره در تحت نظارت عالییه ریاست وزراء و هریک از آنها بوسیله رئیس مستقلی که بسمت معاونت وزارت

ماده ۶ - اگر ملک بقیمت تقویمی و یا بیشتر خریدار پیدا نکرد بهمان قیمت تقویمی متعلق بدولت شده و سند انتقال از طرف محکمه بدایت بدولت داده میشود. **رئیس** - آقایانی که باماده شش موافقت دارند قیام فرمایند.

(استرقیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده هفتم قرائت میشود.

ماده هفتم - هر گاه دولت قیمت مزبور را تقدماً به پردازد ملک را قطعاً تصویب خواهد کرد و اگر قیمت را تقدماً پرداخت ملک تا پرداخت قیمت در تصرف دارنده آن (باوارش او) باقی مانده و دارنده ملک آنرا بخرج خود اداره کرده و منافع آنرا تملک خواهد نمود.

تا موقعیکه دولت قیمت ملک را نپرداخته است دارنده ملک حق خواهد داشت بهر نحو و بهر قیمتی که بخواهد ملک را با اطلاع دولت بیکی از اتباع ایران انتقال دهد این انتقال مورد تصویب دولت واقع خواهد گردید و ذمه دولت و دارنده ملک نسبت بهم بری خواهد شد.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - در شور اول بنده یک نظری را که به این ماده داشتم و نظر خودم را پیشنهاد کردم پیشنهاد آمد به کمیسیون عدلیه و تصویب نشد این است که لازم می دانستم از آقای وزیر عدلیه خواهش کنم چون بنده درست ملتفت این موضوع نمیشوم این را توضیح بدهند عرض کنم بر حسب ماده شش ملک تقویمی که تقویم شد و خریدار پیدا نکرد بهمان قیمت متعلق میشود بدولت مال دولت میشود سند انتقال هم از طرف محکمه داده میشود بدولت و این سند انتقال و این معامله البته ثبت هم خواهد رسید آنوقت بعد که میخواهد ملک را ثبت کند مجبورند در اداره ثبت اسناد با نام دولت ثبت بکنند بعلم اینکه قبلاً با نام دولت صادر شد و ملک منتقل شد بدولت اما در ماده هفت مینویسد که اگر دولت پول را تقدماً داد این ملک در تصرف دارنده ملک باقی بماند پس مالکیت دولت یک مالکیت متزلزلی میشود یعنی مالک یک مالکی هست

که در تصرف خودش نیست فقط قبلاً هست ثبت معامله است ثبت ملک هم با نام دولت است اما ملک در تصرف اتباع خارجه است حتی تمام آثار ملکیت را بنابر این تصرف برای اتباع خارجه بموجب همین ماده قائل میشوم حتی ارث که اگر مرد بوارش این ملک ارث برسد و حال اینکه این ملک با نام دولت ثبت شده باشد اما اگر دارنده ملک مرد بوارش ارث میرسد و او همه جور تصرفات مالکانه در آن حق دارد بکند این بود که در شور اول بنده نظرم این بود که لا اقل محدود کنیم تا ده سال که اگر دولت در ظرف ده سال پول این را پرداخت این ملکیت صحیح باشد در ظرف ده سال مجبور باشد ملک را بدهد و الا خیلی خوب بطوریکه در شور اول هم عرض کردم این نقض غرض میشود غرض این بود که اتباع خارجه املاک مزروعی را تملک نکنند حالا این تملک باین شکل است بعلم اینکه انتهایش معلوم نیست که تا چند سال دیگر است این ملک نسل بعد نسل به وارث خواهد رسید و عایداتش را خواهد برد پس آن نظری که دولت داشته از این قانون حاصل نمی شود این ماده بعقیده بنده بر خلاف آن نظریه است این است که اولاً یک حدی معین کنند ده سال یا نوزده سال و الا یک ملک با نام دولت ثبت شده در دفتر معاملات ما در دفتر ثبت ما آنوقت در تصرف دیگری است الی الابد این بنظر بنده منافی است با اصل روح این قانون.

وزیر عدلیه - رویهمرفته اعتراضاتی که نماینده محترم فرمودند راجع میشود باین صورت خاصی که باین معامله داده شده است یک معامله هست دولت میکند یک ملکی را میخرد مطابق یک قانونی اصل طرز خریداری و صورت معامله یک صورتی است غیر از معاملات دیگری که میشود برای اینکه در ضمن اینکه مالک است اجازه میدهد که دارنده ملک تا وقتی که پول را نگرفته است آن ملک را در تصرف نگاه دارد و بالاخره همه قسم برای اداره آن عمل بکند نفع و ضررش با خودش باشد یک صورت

خاصی دارد بنده اشکالاتی را که ذکر کردند و مهم میدانستم اینجا یاد داشت کردم خودم اینجور فکر میکنم مثل اینکه قبلاً هم عرض کردم اشکالی نیست یکی اینکه فرمودند سند مالکیت که باسم دولت صادر شد مالکیت خوب حالا چه جور است این سند چه جور صادر میشود عرض میکنم که سندی صادر میشود باینکه دولت مالک است ولی مادامی که پول را نداده است مطابق فلان ماده مصوب فلان تاریخ عمل خواهد شد بعبارة آخری یک شرطی است که در این معامله بخصوص شده مثل تمام معاملاتی که با شرط میشود سایر معاملاتی که با شرط میشود چطور ثبت میشود همینطور یک معامله شده یک کسی مالک است همانطور که بنده مالکم ملکم را بیع میدهم یک شرطی میکنم در آن مدت اختیار چه جور میکنم و قراری پیش ما هست مطابق آن مقررات که در بیع هست عمل می شود حالا هم اینجا یک معامله است که دولت می کند منتهی قرار میگذارند مادامی که پول نداده است آن شخصی که دارنده ملک بوده است ملک در تصرف او خواهد بود نفع و ضرر ملک را خودش اداره میکند بعبارة آخری بمسئولیت مالی خودش ملک را اداره می کند اگر مشتری پیدا کرد بدولت اطلاع میدهد که دولت آن معامله را بکند از حیث معامله کردن و اینکه دارای یک شرایط خاصی است بنده هیچ اشکالی نمی بینم بعلمت اینکه بسا معاملات را ممکن است انسان در تحت یک شرایط خاصی بکند اختیار می دهد که این قسم معامله بکند دیگر چه اشکالی دارد اما راجع باین که می فرمایند دولت مالکیتش متزلزل است بنده تصور نمیکنم مالکیت دولت متزلزل باشد بعلمت اینکه هر وقت که دولت خواست پولش را بدهد این ملک را تصرف میکنند آن شخص نمی تواند بگوید بتصرف شما نمیدهم دولت مالک است ولی در تصرف او است بآن آدم میدهند که آنرا اداره کند. میفرمایند که بیایید یک مدتی قرار بگذارید بنده تصور میکنم اگر این قبیل املاک را یک صورت جامعی ما از شما داشتیم و میزانی که این قبیل املاک قیمت دارد آنوقت قیمتش

معلوم بود بنده هیچ اشکالی نمی بینم که دولت یک ماده در این جا اضافه کند یا یک پیشنهادی آقا بفرمایند بنده قبول میکنم که در فاصله فلان مدت این املاک را خواهد خرید که این منوط باین است که چه قدر پول لازم است تا دولت بداند در ظرف چند سال می تواند این پول را بدهد اما چون هنوز این میزان در دست نیست بنده خیال میکنم که نمی توانیم معین کنیم چه قدر مدت باید بگذاریم و بهمان ترتیبی که در لایحه گذارده شده خوبست و مطابق این قانون چیزی نخواهد گذشت که ماصورت این قبیل املاک را بدست میآوریم املاک که تماماً تقویم شد یک عده ملک است که مشتری پیدا میکند و فروخته میشود دولت بالاخره خواهد دید چه مقدار از این املاک باقی میماند و چه میزان قیمت دارند و برای پرداخت او چه ترتیبی خوبست بدهیم؟ آروز که این ترتیب را داد البته مانعی ندارد که دولت یک لایحه بیاورد که در فلان مدت دولت مکلف است این املاک را بفروشد و پولش را بپردازد اما انصاف بدهید راجع بیک قسمتی که هنوز میزانش در دست نیست ما بیاییم یک مدتی را معین کنیم و بگوییم که در آن مدت دولت حتماً باید این کار را بکند بنده این را مفید نمیدانم بلکه خارج از احتیاط هم میدانم بنده میگویم اگر آقایان اجازه بفرمایند بهمین ترتیب باشد بهتر است برای این که اولاً بسیاری از این املاک قطعاً مشتری پیدا خواهد کرد و مقدار دیگری که باقی می ماند مسلم است دولت خودش در صدد خواهد بود که این املاک را بخرد یا لا اقل از برایش مشتری پیدا کند و این عملیات را در یک فاصله کمی دولت انجام خواهد داد و اینکه شما از حالا بیایید یک مدتی را معین کنید که در آن مدت پول بدهند بنده این را مصلحت نمی دانم.

رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - بنده در کمیسیون عدلیه تذکره دادم و اینجام عقیده ام این است که اصلاحی لازم است. اینجا

همینطور و این بهتر است تا اینکه بیست و پنج تا ده دو دانگ و سه دانگ بخرد. (صحیح است)

رئیس - آقای وثوق

وثوق - عرضی ندارم.

رئیس - آقایانیکه با ماده هفتم موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده هشتم قرائت میشود.

ماده هشتم - هرگاه دولت قیمت ملک را نپردازد و بعد خواست آنرا تأدیه کند هر يك از طرفین حق خواهند داشت تقاضای تقویم مجدد نمایند در این صورت تقویم برطبق مواد دو و سه بعمل آمده و دولت قیمتی را که پس از تقویم مجدد معین می شود باید تأدیه کند

رئیس - در ماده هشتم نظری نیست؟ (خیر) آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده نهم قرائت میشود.

ماده نهم - جز در مورد ماده قبل که حق الزحمه مقوم بعهدہ طرفی است که تقاضای تجدید تقویم کرده در کلیه موارد حق الزحمه مقومی که از طرف محکمه و مدعی العموم مطابق ماده ۴ این قانون معین میشود و نصف حق الزحمه سر مقوم و تمام مخارج مزایده بعهدہ دارنده ملک خواهد بود.

رئیس - اشکالی نیست؟ آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری - بعقیده بنده حق الزحمه تجدید تقویم بایست بعهدہ کسی باشد که تقاضا کرده ولیکن در سایر موارد مقوم باید از جانب طرفین معین شود برای اینکه یک معامله ایست که یک طرف آن خریدار است و یک طرف فروشنده. پس جهت ندارد که به عهده دارنده ملک باشد.

وزیر عدلیه - با این نظری که آقا بفرمایند البته بنده نمیخواهم مخالفت کنم منتهی ما اینجا در ماده ۹ نوشته ایم میخوانم که آقایان هم توجه بفرمایند در مورد ماده قبل که حق الزحمه مقوم بعهدہ طرفی

نوشته شده تا قیمت را دولت پرداخت نکرده ملک در تصرف دارنده ملک باقی است. حتی این مطلب شامل موقعی هم که دولت قیمت قسمت اعظم ملک را پرداخت نموده میشود و این ملک باز در تصرف آن شخص خواهد بود در صورتیکه پول دولت نزد آن شخص است و منافع را هم او میبرد بنده عقیده ام این است که به نسبت قیمت مثلاً فرض کنید اگر دولت نصف قیمت را پرداخت کرد نسبت باین نصف ملک قطعی دولت میشود و نسبت به نصف دیگر این شخص باید متصرف باشد و نسبت باین قسمت منافع مال او باشد اولاً اگر دولت قیمت قسمت اعظم را پرداخت کند دلیلی ندارد که باز این شخص همه را متصرف باشد و منافع هم مال او باشد.

وزیر عدلیه - اساس فکر آقا البته صحیح است ولی نمیدانم از کجا آقا همچو تصور فرمودند که دولت اینقدر مفت باز است که بیاورد نصف از قیمت ملک را بدهد و با وجود این بگوید تمام ملک در تصرف او باشد و باینکه نصف پول را داده تمام منافع هم مال او باشد بنده تصور نمیکنم تا این اندازه دولت حاضر باشد که پولی را مفت بدهد بنده عقیده ام این است که آقا این نگرانی را نداشته باشند باین است که دولت می آید تمام پولش را میدهد وقتی که تصمیم گرفت (دیگر نمی آید سه دانگ از این ملک و سه دانگ از آن ملک بدهد) پول را میدهد و ملک را میگیرد یا این است که پول نصف ملک را میدهد آنوقت بقدر نصف و بآن اندازه که داده از ملک را از تصرف او بیرون میآوریم و نصف دیگر در تصرف او است و هیچ مانعی هم ندارد. روی اصول کلی است. بنده اگر باشما قرار گذاشتم که اگر تمام پول شمارا دادم ملک را تمام میگیرم و اگر یک قسمت را دادم نسبت بان قسمت مالک میشوم. ولی فایده این کار برای دولت چیست؟ بنده میگویم دولت که میخواهد بطور مشاع بیاورد و مالک ملک باشد و متصل در کشمکش باشد برای اینکه اصلاً آن پولی را که برای این ملک میدهد یا آن چهارتا ملک شش دانگی دیگر را امسال میخرد پنج تا هم سال دیگر

است که تقاضای تجدید تقویم کرده در کلیه موارد حق الزحمه مقومی که دارنده ملک معین مینماید و همچنین حق الزحمه مقومی که از طرف محکمه و مدعی العموم مطابق ماده ۴ این قانون معین میشود و نصف حق الزحمه سرمقوم و تمام مخارج مزایده بعهده دارنده ملک خواهد بود. «
این از نقطه نظر دارنده ملک شاید يك قدری زیاد بنظر بیاید اگر آقا پیشنهادی بدهید ممکن است آنرا بخوانیم و به بینیم و بنده هم موافقم»
رئیس - آقابانیکه با ماده نه موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ده قرائت میشود.

ماده دهم - هر نقل و انتقال راجع باموال غیر منقول که تا تاریخ اجرای این قانون از طرف اتباع خارجه باتباع ایران واقع شده باشد و همچنین هر نقل و انتقالی باتباع ایران که از تاریخ اجرای این قانون تا سه ماه مقرر در ماده (۱) بعمل آید معتبر است

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - این جا آخر ماده که نوشته بطور ابهام و ظاهراً مقصود نسبت به متعاملین است و الا اشخاص نالك اگر دعوائی در این ملک داشته باشند این نقل و انتقالات البته نسبت بانها معتبر نخواهد بود و مقصود نسبت به متعاملین است نه دیگران. خوبست آقای وزیر عدلیه يك توضیحی بدهند.

وزیر عدلیه - در شور اول هم گمان میکنم یکی از نمایندگان محترم این تذکر را دادند و این محتاج به توضیحی است که بنده هم عرض کردم در اصل مطلب موافقم و همینطور که آقا فرمودید مقصود ما این است که نسبت به معامله بین آن شخص و طرفش معتبر است و مخصوصاً در این قسمت نظر ما بیشتر بر این بوده که چون مالکیت دارنده ملک که خارجی است این شخص از نقطه نظر اصول اساساً مالك نمی توانسته است

بآن قیمتی است پول گرفته و فروخته نه نسبت بآن قدری که این ملک قیمت دارد

وزیر عدلیه - عرض کنم ما در اینجا خواستیم بيك اصلی اشاره کرده باشیم برای اینکه هیچ سوء تعبیری نشود بيك تصویری نشود نسبت به تبعه خارجی که ملک را دارا بوده و بعد بموجب این قانون انتقال داده بتواند فردا بگوید بيك قانونی آمد و مرا وادار کرد و انتقال هم دادم حالا کشف فسادى هم شده ضامتنش نیستیم خواستیم اشاره باین قسمت کرده باشیم والا سایر اصول کلی که قانون مدنی تکلیفش را معلوم کرده ما این را نباید ده پانزده ماده برایش معین کنیم و اینجا بنویسیم البته آن اصول کلی که در این باب هست بجای خودش محفوظ است و همیشه در قوانین آن اصلی که مورد لزوم است آنرا باید ذکر کنند چون اینجا ممکن بود بيك سوء تفاهم شود و در ضمانت کشف فساد تبعه خارجه بيك تزلزلی پیدا شود این را خواستیم بگوئیم که هست یعنی معامله تابع اصول کلی ضمان است و همانطور که در سایر موارد رفتار میشود اینجا هم رفتار خواهد شد بنده نباید اینجا توضیح دیگری بدهم. فرض بفرمائید بنده آدمم بيك ملکى را به آقا فروختم آقا هم آمدید شرط کردید که اگر خسارتی بمن وارد شد از عهده برآئید. حالا اگر معلوم شد خسارتی بر من وارد شده بموجب بيك اصل دیگری که هر کس خسارتی وارد بیاورد باید جبران کند باید از عهده بر آئید و گمان میکنم خوب است آقا هم قناعت بفرمائید همین توضیحی که بنده دادم که این مسئله هم تابع اصول کلی است

رئیس - آقابانیکه با ماده یازده موافقت دارند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوازدهم قرائت میشود

ماده دوازدهم - این قانون پس از يك ماه از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

رئیس - پیشنهادی از آقای احتشام زاده رسیده قرائت میشود
پیشنهاد آقای احتشام زاده

پیشنهاد میکنم ماده دوازدهم بطریق ذیل اصلاح شود
ماده دوازدهم - این قانون از اول مرداد ماه ۱۳۱۰ بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - در خبری که از کمیسیون داده شد تاریخ اجرای این قانون صریحاً معین نشده نوشته یکماه پس از تصویب در صورتیکه در تمام قوانین تاریخ اجرا تصریحاً باید معلوم باشد و بهتر است که در این قانون هم تاریخ اجرا تصریحاً معین شود این است که بنده پیشنهاد کردم این قانون برای آنکه مقدمات اجرایش فراهم شود از اول مرداد ماه ۱۳۱۰ بموقع اجرا گذارده شود.

رئیس - نظر آقای وزیر عدلیه؟

وزیر عدلیه - بنده موافق هستم.

رئیس - آقای مخبر موافقتند؟

بعضی از نمایندگان - مخبر نداریم.

همراز - بلی بنده موافقم.

رئیس - آقابانیکه با ماده دوازدهم با اصلاحی که شد موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه پیشنهادی آقای مسعود ثابتی

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد مینمایم:

ماده الحاقیه - هرگاه دولت مالکیت یکی از مالکین اتباع خارجه را برای یکی از نقاط مملکت مفید بداند میتواند موقتاً او را از تکلیفی که در این قانون معین شده معاف نموده و با او اخطار نماید.

رئیس - آقای مسعود ثابتی

مسعود ثابتی - بنده با اساس این لایحه مخالفم و متأسفانه در مقابل اظهارات سایر آقایان مخالفین نیز جواب های مقنعی از طرف مدافعین این لایحه داده نشده بنده اصولاً تصور میکنم که در قبال دلایل فوق العاده محکمی که برای

عدم قبول این لایحه موجود است منصفانه قضاوت بشود موجب آن باشد که عکس این لایحه به مجلس بیایدولی در هر صورت با احترام اعتمادی که به دولت داریم هنوز هم بنده امید وارم شاید دلائلی که ایراز آنها صلاح نبوده و مکنون خاطر دولت است مفید بوده باشند لهذا با این لایحه موافقت مینمایم و پیشنهادی هم که تقدیم داشته ام قطعاً با منویات مکتونه تباینی نخواهد داشت بنده معتقدم که دولت باید دارای اختیارات مبسوطی باشد زیرا که برطبق تجربه ملک داری و قواعد رعیتی میدانیم که گاهی فی نفسه ممکن است يك تبعه خارجه وجودش در محلی نافع باشد و از حیث عمل تجارت خرید پشم و پنبه یا ترویج قالی و غیره ببرد اهالی يك جبائی میخورد مثلاً اگر در محلی يك نفر تبعه خارجه دارای ملک مختصری باشد که بواسطه علاقمندی به آن ملک در آن جا سکونت اختیار کرده موجب رفاهیت اهالی آن اطراف گشته و تازه ملک او هم بقیمت تقویمی مشتری نداشته باشد آیا لازم است بوسیله این لایحه خودمان را مقید کنیم و مجبور باشیم هم تحمل ضرر بکنیم و موجبات عدم رضایت اهالی را فراهم سازیم؟ باری بنده معتقدم که دولت بایستی دارای اختیارات بیشتری باشد تا اگر به چنین مشکلاتی بر خورد بتواند از این اختیار استفاده کند و از همه مهمتر جنبه مالی این لایحه است زیرا چنانچه ملاحظه میفرمائید در تمام این لایحه کوچکترین نفعی برای دولت منظور نشده و بر عکس ضرر آن از این نقطه نظر که املاک بی مشتری بالاخره باید خریده شود قطعی است و اصولاً تا کسی محتاج بفروش ملک نشده باشد از سختی این امر و بیچارگی فروشنده مطلع نخواهد شد زیرا امروزه فروش ملک بقیمت خیره کار مشکلی است و آنچه در باب فروش ملک شنیده میشود عموماً صحبت از ده يك یا ده دو کمتر از از قیمت خیره هم اضافه بیردازند کمتر است و معلوم نیست دولت با چه سرمایه زیاد و چه احتیاج مبرمی ملک میخرد

در صورتیکه خود لایحه فروش املاک خاصه در دست دارد بدون احتیاج لازم و احتیاج معینی میخواید این قانون را بگذرانند باری نظر بنده آن است که دولت هر يك از املاک اتباع خارجه را که لازم بداند خریده و در سایر موارد مختار باشد و منافع این نظریه بطور خلاصه از این قرار است: اولاً اختیارات دولت زیادتیر میشود ثانیاً بر فرض مفید بودن یکنفر از اتباع خارجه در یکی از نقاط مملکت دولت را در ابقاء وی آزاد خواهد کرد ثالثاً از تراکم خریداری املاک و تضییقات احتمالی در سنوات مالیه جلوگیری میکند رابعاً در صورتیکه تمام فرضیات و استدلالاتی که عرض شد مورد پیدا ننمایند تازه قانون هیچوجه فرقی ننموده و اجرای مرام دولت دیر با زود میسر خواهد شد.

وزیر عدلیه - بنده در آن قسمتی که فرمودند جوابهایی که مدافعین این لایحه دادند افتخار کننده نبود در این قسمت میخوایم از طرف آقایانی که رأی دادند تردید کنم برای اینکه بنده نمیتوانم تصور کنم که اکثریت مجلس شورای ملی بعد از آنکه يك جواب هائی داده شد اگر قانع نشده باشند رأی بدهند (مسعود ثابتی - برای اعتمادی است که داشتند) فرمودید بواسطه اعتمادی است که داشته اند و اگر قانع نشده باشند و بموجب آن اعتماد رأی داده باشند وقتی که رأی دادند بنده حق دارم تصور کنم که آقایان رأی دهند گمان شده اند و الا این همه چانه زدن و زحمت کشیدن برای چه بود اینهمه صحبتها یکیکه میکنیم مذاکرانیکه میشود مباحثه که میشود در خارج حرف میزنیم در اینجا وقت آقایان را تلف میکنیم برای این است که آقایان قانع بشوند و وقتی که آقایان رأی دادند معلوم میشود که قانع شده اند حالا اگر آقا نشده اند اسباب بدبختی بنده است و معلوم میشود که بیان بنده قاصر بوده است این مال این قسمت اما این که در ضمن فرمودند يك دلائلی دیگر دولت داشته است بنده ضاف و روشن و بطور حتم و بطور جزم این جا

با صدای بلند عرض میکنم که دولت جز این دلیلی که عرض کردم ندارد (صحیح است) که دولت از نقطه نظر يك اصلی آمده است و این کار را کرده است میگوید که ما اجازه نداده بودیم حالا يك اشخاصی آمده اند و این کار را کرده اند ما میخواستیم بدوره هرج و مرج که در سابق بوده است خاتمه بدهیم و این معاملاتی که شده است بيك صورتی در بیاوریم که بدانند اگر يك عمل خلاف ترتیبی اگر يك وقت واقع شد این بقا ندارد عرض کنم که این جا يك مطلبی را گمان میکنم که نتوانستم این جا بیان کنم و باین جهت آقا فرمودند که خوب دولت باین که از دست ملک داری خودش ناراحت است چرا میخواید ملک بخرد آقا دولت نمیخواید ملک بخرد دولت لایحه نیاورده است که ملک بخرد دولت لایحه آورده است از برای تصفیه امور املاکی که سابقاً در دوره های گذشته اتباع خارجه آمده اند بر خلاف يك مقرراتی دارا شده اند میخواید این را تصفیه کند و آنوقت نخواسته است با يك اشخاصی که آمده اند بيك پولی داده اند بالاخره يك ملک در دستشان نیامده است و در آن جا سالها زحمت کشیده اند تضییقات زیاد بشود خیر با و میگوئیم که تا فلان مدت قانوناً باید ملکشان را بفروشید و چون ممکن است مشتری باعتبار این که اگر صبر بکنند و مدت بگذرد البته بهتر میشود خرید يك کارهائی بشود که بر ضرر صاحب ملک باشد و بالاخره چون دارند این ملک هم می بینند بالاخره باید بفروشند در مدت معین ناچار است بهر قیمت که شده آن ملک را بفروشند و البته این تضییق زیادی است آنوقت آمده ایم يك راه حلی پیدا کرده ایم که اگر بنا شد خریدار پیدا نشد دولت میخرد و مطابق شرایطی که در این قانون است یولش را بعد میدهد پس منظور این نبوده است که دولت ملک بخرد و برای این منظور این لایحه را آورده باشد خرید دولت هیچ چنین عقیده را ندارد و در اساس این که دولت ملک دار خوبی نیست بنده هم با آقا موافقم که دولت ملک دار خوبی نیست. حالا بر میگردیم

با اعتراض دیگری که فرمودند در ضمن بیاناتشان فرمودند این کار اعتبار نامحدودی میخواید بنده روی همین نظر بود که الان یکی از آقایان پیشنهاد فرمودند یعنی اظهار فرمودند که خوب است بنویسید که در يك مدت معینی این املاک خریده شود بنده گفتم که نمیتوانیم این کار را بکنیم برای این که نمیدانیم چه اندازه اعتبار لازم دارد پس وقتی که دولت دانست چه اندازه اعتبار لازم دارد آن املاکی که میخواید بخرد بموجب قانونی پیشنهاد میکنند به مجلس و آنوقت بعد از آنکه مجلس به آن اعتبار رأی داد آنوقت آن اعتبار را بمصرف این کار میزند بنده آن ایراد آقارا در این قسمت وارد نمیدانم و دولت نمی آید بگوید که من هر چه خواستم هر مبلغی که شد اعتبار بدهید بدون این که بگوید امسال چقدر اعتبار بدهید سیصد هزار تومان فلاقت اعتبار برای قیمت این املاک بدهد این کار را دولت نکرده دولت آمده است برای این کار ترتیبی معین کرده و بعد از آنکه مقدار این املاک معلوم شد اگر اعتباری لازم شد دولت خواهد خواست حالا بیائیم بعد از همه مذاکرات به پیشنهاد آقا که عرض کنم متأسفانه موافق نیستم و بنده موافق نیستم با اینکه دولت اختیاری در این خصوص داشته باشد چون با این کار بطوریکه به مجلس پیشنهاد شده است مصلحت نبوده است تصفیه شده باشد؟ پس چرا دولت آمده است و پیشنهاد کرده است اگر هم میدانسته است و مصلحت نبوده است چرا دیگر حالا که دولت مصلحت دانست بعضی از اتباع خارجه را آزاد بگذارد و دیگران را مجبور به فروش کند بنده این جور تبعیض را معتقد نیستم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای تابی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)

مسعود ثابتی - پس میگیرم

رئیس - تصویب نشد. بهر دونه نظر حالا کلیات مطرح است. مخالفی نیست. (نمایندگان - خیر) رأی میگیریم

به مجموع لایحه آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند)
تصویب شد

[۵- تقدیم یک فقره لایحه از طرف وزیر طرق]

وزیر طرق و شوارع (آقای کاظمی) - چند سال بود راه آهن رشت و پیره بازار اجاره داده شده بود از اول امسال مستأجرش مستعفی شد و وزارت طرق این راه آهن را اداره میکند چون در بودجه وزارت خانه پیش بینی برای مخارج این راه آهن نشده بود و از طرف دیگر نواقصی در آن هست که باید بتدریج رفع شود از این جهت

لایحه تهیه و تقدیم شده که اجازه فرمایند که در مدت ۵ سال عایدات این راه آهن صرف شود برای هم اداره اش و هم تکمیل خود راه آهن.

[۶- موقع و دستور جلسه بعد. ختم جلسه]

رئیس - در دستور فعلاً چیزی نداریم اگر موافقت میفرمائید جلسه آینده ما یکشنبه ۲۳ خرداد باشد دستور عهد نامه های ایران و تونی و الحاق بقرار داد جامعه ملل و سایر لوایح موجوده.
(مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

راجع به تقسیمات وزارت اقتصاد ملی

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون وزارت اقتصاد ملی به سه اداره کل تقسیم میشود:

اداره کل تجارت

اداره کل فلاحت

اداره کل صناعت

ادارات مزبوره در تحت نظارت عالییه ریاست وزراء و هر يك از آنها بوسیله رئیس مستقلى كه بسمت معاونت وزارت در مجلس و هیئت وزراء حق حضور و شرکت در مذاکرات دارد اداره خواهد شد.
وظائف هر يك از ادارات ثلاثه بموجب نظامنامه كه هیئت وزراء تصویب خواهد کرد تعیین و این قانون بلافاصله پس از تصویب بموقع اجرا گذاشته میشود.

این قانون كه مشتمل بر يك ماده است در جلسه شانزدهم خرداد ماه يكهزار و سیصد و ده شمسى بتصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

راجع به اموال غیر منقول اتباع خارجه

ماده اول - هر تبعه خارجه مكلف است در ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این قانون صورت املاك مزروعی خود را با تعیین محل و مشخصات آن بدفتر محكمه بدایتی كه مال غیر منقول در حوزه آن واقع است در مقابل رسید تسلیم نموده و در همان موقع نیز مقومی كتباً معرفی نماید
تبصره - نوابغ و متعلقات املاك مزروعی از قبیل قنوات چشمه سارها باغات مراتع و طواحین و امثال آن در حكم ملك مزروعی است

ماده دوم - رئیس محكمه بدایت پس از وصول صورت مذکور در ماده ۱ مقومی را كه از طرف اداره مالیه محل برای تقویم املاك به محكمه معرفی میشود مامور خواهد كرد با مقومی كه از طرف دارندة ملك معین گردیده ملك را تقویم نمایند

ماده سوم - اگر در تعیین قیمت ملك بین مقوم مالیه و مقوم دارندة ملك اختلاف نظر باشد مقومین بتراضی يك نفر سر مقوم تعیین خواهند نمود و در صورت عدم تراضی رئیس محكمه و مدعی العموم بدایت سر مقوم را معین خواهند كرد

تقویم سر مقوم در هر حال معتبر و قاطع خواهد بود

ماده چهارم - هر ملك مزروعی كه دارندة آن در مدت مقرر به تكالیف مذکور در ماده اول عمل ننمود بوسیله مقومی كه از طرف رئیس محكمه و مدعی العموم معین می شود تقویم خواهد شد در این صورت دارندة ملك حق هیچگونه اعتراضی بر تقویمی كه بعمل آمده نخواهد داشت

مفاد این ماده در مورد ملکی نیز مجری خواهد شد که مقوم معرفی شده از طرف دارنده ملك از تقویم خود داری کند

ماده پنجم - پس از آنکه قیمت ملك بطریق مذکور فوق معین گردید ملك بمزایده بترتیبی که در اصول محاکمات حقوقی برای مزایده مقرر است فروخته خواهد شد

ماده ششم - اگر ملك بقیمت تقویمی یا بیشتر خریدار پیدا نکرد بهمان قیمت تقویمی متعلق بدولت شده و سند انتقال از طرف محکمه بدایت بدولت داده میشود

ماده هفتم - هرگاه دولت قیمت مزبور را نقداً بپردازد ملك را قطعاً تصرف خواهد کرد و اگر قیمت را نقداً نپردازد ملك تأیید اداخت قیمت در تصرف دارنده آن (یا وارث او) باقی مانده و دارنده ملك آن را خرج خود اداره کرده و منافع آنرا نملک خواهد نمود

تا موقعیکه دولت قیمت ملك را نپردازد دارنده ملك حق خواهد داشت بهر نحو و بهر قیمتی که بخواهد ملك را با اطلاع دولت بیکی از اتباع ایران انتقال دهد این انتقال مورد تصویب دولت واقع خواهد گردید و ذمه دولت و دارنده ملك نسبت بهم بری خواهد شد

ماده هشتم - هرگاه دولت قیمت ملك را نپردازد و بعد خواست آنرا تأدیه کند هر يك از طرفین حق خواهند داشت تقاضای تقویم مجدد نمایند در این صورت تقویم بر طبق ماده ۲ و ۳ بعمل آمده و دولت قیمتی را که پس از تقویم مجدد معین میشود باید تأدیه کند

ماده نهم - جز در مورد ماده قبل که حق الزحمه مقوم بعهدہ طرفی است که تقاضای تجدید تقویم کرده در کلیه موارد حق الزحمه مقومی که دارنده ملك معین مینماید و همچنین حق الزحمه مقومی که از طرف محکمه و مدعی العموم مطابق ماده ۴ اینقانون معین میشود و نصف حق الزحمه سر مقوم و تمام مخارج مزایده بعهدہ دارنده ملك خواهد بود

ماده دهم - هر نقل و انتقال راجع باموال غیر منقول ده تا تاریخ اجراء این قانون از طرف اتباع خارجی بانواع ایران واقع شده باشد و همچنین هر نقل و انتقالی بانواع ایران که از تاریخ اجراء این قانون تا سه ماه مقرر در ماده (۱) بعمل آید معتبر است

ماده یازدهم - نسبت به نقل و انتقالی که از طرف اتباع خارجه واقع شده یا بشود اعم از اینکه تبعمه خارجه مستقیماً ناقل بوده یا مملک مطابق ماده ۷ انتقال داده شده تبعمه خارجه ضامن درك و مسؤل كشف فساد خواهد بود

ماده دوازدهم - این قانون از اول اسرداد ماه ۱۳۱۰ بموقع اجراء گذاشته خواهد شد
این قانون که مشتمل بر دوازده ماده است در جلسه شانزدهم خرداد یکهزار و سیصد و ده شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر